فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۵۱-۳۱ New Period 4, No 32, 2021, P 31-51
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تاثیر ژئوپلیتیکی ترکیه بر ایران

بهرام عجملو
کارشناسی ارشد روابط بین الملل

چکیده

هدف این مقاله بررسی مروری تاثیر ژئوپلیتیکی ترکیه بر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از این است که به نظر می رسد ایران و ترکیه به عنوان کشورهای غیر عربی خاورمیانه، در اوایل قرن بیست و یکم با چالشهای ژئوپلیتیکی مهمی مواجه اند. در مجموع عدم وقوع تحول مهم ژئوپلیتیکی در حوزه غرب خاورمیانه و بویژه در مرزهای ایران و ترکیه باعث شده است که مطالعه و بررسی این حوزه در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی کمتر مورد توجه قرار گیرد. اما تحولات سیاسی جدید در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این حوزه را در آستانه چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی قرار داده است. ترکیه که سالها در پشت درهای بسته اتحادیه اروپا مانده، اکنون بر اثر تقابل سیاستهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه خاورمیانه فرصت مناسب تری برای ورود به این اتحادیه دارد. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا که در این مقاله تحت عنوان سناریوی ژئوپلیتیک نوین این کشور نام گرفته، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را به عنوان بازیگر اصلی غرب خاورمیانه متأثر می سازد. پژوهش حاضر نشان داد که در ژئوپلیتیک نوین ترکیه آسیب‌های ژئوپلیتیکی ایران در جهت مقابل به فرصتهای ژئوپلیتیکی تبدیل خواهد شد. ایران که در ژئوپلیتیک سنتی ترکیه محوری ترین هدف تهدیدات مثلث آمریکا - اسرائیل و ترکیه بود، در تحولات ژئوپلیتیکی نوین این کشور علاوه بر اینکه به چالش‌های طرح خاورمیانه بزرگ فائق می‌آید از فرصتهای ژئوپلیتیکی مهمی در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای بهره خواهد برد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک ترکیه، ژئوپلیتیک ایران، خاورمیانه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

۱- مقدمه

به نظر می رسد ایران و ترکیه به عنوان کشورهای غیر عربی خاورمیانه، در اوایل قرن بیست و یکم با چالشهای ژئوپلیتیکی مهمی مواجه اند. فرض اصلی این است که ایران در سالهای پس از انقلاب ۱۹۷۹ به عنوان کشوری مستقل، همواره تحت تأثیر مقتضیات ژئوپلیتیکی ترکیه بوده است. این مقاله در پی آن است تا تأثیرپذیری ایران را از ژئوپلیتیک ترکیه در دو دوره ژئوپلیتیک سنتی و نوین این کشور مورد بررسی قرار دهد. سوال اصلی این است که تحولات احتمالی ژئوپلیتیکی ترکیه در اوایل قرن بیست و یکم چه تأثیرات مثبت و یا منفی بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ فرضیه مورد آزمون عبارتست از: تحولات ژئوپلیتیکی نوین ترکیه فرصتهای ژئوپلیتیکی ایران را نسبت به قبل افزایش خواهد داد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی – تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها و اطلاعات نیز از روش‌های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای صورت پذیرفته و از منابع داخلی و خارجی مکتوب در این زمینه استفاده شده و سپس یافته‌های تحقیق به طور عمده به شیوه تحلیلی- توصیفی تجزیه و تحلیل شده اند.

۳- یافته های پژوهش و تحلیل آن

۳ - ۱ - ژئوپلیتیک سنتی ترکیه (مثلث اسرائیل - آمریکا - ترکیه)

۳ - ۱ - ۱ - محور ترکیه – آمریکا

ترکیه و ایالات متحده آمریکا در دوره پس از جنگ جهانی دوم همواره دارای روابط نزدیک با یکدیگر بوده اند، به طوریکه از آن به مشارکت استراتژیک» نیز تعبیر شده است. در ادبیات سیاسی روابط دو کشور، ترکیه سرمایه ای امنیتی برای آمریکا توصیف شده است. از زمان جنگ سرد موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه این کشور، بویژه مجاورت آن با شوروی و بحران خیزترین مناطق دنیا

(بالکان، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز ومدیترانه شرقی) ایالات متحده را به منظور مدیریت بحران در این مناطق و حتی مداخله نظامی در آنها نیازمند همکاری با ترکیه کرده است. پایگاه نظامی «اینجرلیک» ترکیه یکی از بزرگترین پایگاههای فعال آمریکا در خاورمیانه است که نیروهای موسوم به «نگهبان شمال» در آن حضور دارند. این پایگاه در عین حال به عنوان مرکز استراق سمع آمریکا در منطقه وسیعی از شرق مدیترانه، خاورمیانه، قفقاز، دریای سیاه و خزر عمل می کنند. کارشناسان سیاسی معتقدند که پایگاه اینجرلیک ترکیه عملا منطقه ای کاملا آمریکایی در حد فاصل قاره های آسیا و اروپا است. این در حالی است که زمامداران لائیک ترکیه پیوسته کوشیده اند با برنامه ریزی های خود، همسویی با آمریکا را در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پیش بگیرند به طوری که از زمان جنگ جهانی دوم به بعد اصل «غربی شدن» عنصر أساسی موثر بر سیاست خارجی این کشور بوده است (**Bali aykan,346:1996-347**) ترکیه در سال ۱۹۵۲ م. اولین گام الحاق به آمریکا را با پوشش امنیتی دکترین ترومن و طرح مارشال برداشت. طرح مارشال نقطه عزیمت جهان به سوی دو قطبی شدن کامل و تعیین حوزه های نفوذ استراتژیک دو ابرقدرت بود. در واقع کشورهایی که به طرح مارشال پاسخ مثبت دادند، وابستگی خود را به اردوگاه غرب و کشورهایی که به آن پاسخ منفی دادند وابستگی خود را به شوروی اعلام کردند. سیاستمداران ترکیه با پذیرش این طرح، سیاست خاورمیانه ای خود را هرچه بیشتر به اهداف و طرح های آمریکا نزدیک کردند. از همین رو در سال ۱۹۵۲ م. با شرکت کشورهای انگلیس، ترکیه، عراق، ایران و پاکستان پیمان بغداد شکل گرفت. این پیمان حلقه اتصال پیمان دفاعی سیتو با ناتو به حساب می آمد. در واقع مهمترین علت حمایت آمریکا از درخواست ترکیه برای عضویت در ناتو، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور بود. در گزارش «سازمان ملی ارزیابی های اطلاعاتی آمریکا» به ترومن، ترکیه متحدی بسیار با ارزش برای آمریکا معرفی شده بود، که می توانست نقش مهمی در تقویت استراتژی سد نفوذ ایالات متحده در مقابل شوروی ایفا کند (**Vali, 115 :1971**).

پس از شکل گیری محور ترکیه - آمریکا و الحاق ترکیه به ناتو، ایالات متحده طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. کمک‌های مالی و نظامی فراوانی به این کشور اختصاص داد، به طوری که کمکهای آمریکا در این دو دهه بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار بود، همچنین تعداد ۵۵ قرارداد نظامی بین دو کشور امضاء شد(**Ibid,** ۱۱۶:۱۹۷۱). در اواخر دهه ۱۹۷۰ م. دو تحول مهم انقلاب اسلامی و تهاجم شوروی به افغانستان زمینه ساز گسترش همکاریهای این دو کشور شد. برآیند این وضعیت امضاء قرارداد همکاریهای دفاعی - اقتصادی در سال ۱۹۸۰ م. بود. در این قرارداد آمریکا متعهد به تأمین کلیه تجهیزات دفاعی، آموزش و عرضه خدمات نظامی و کمک به ثبات اقتصادی —سیاسی این کشور شد در سراسر دوره جنگ سرد، ترکیه به واسطه موقعیت جغرافیایی اش در جناح جنوب شرقی ناتو، نقشی کلیدی در استراتژی غرب بازی می‌کرد. اهمیت عمده کشور ترکیه از این بابت بود که جغرافیای آن این اجازه را به غرب می داد تا ناوگان‌های شوروی از دریای سیاه به دریای مدیترانه را در ایام جنگ توقیف کند. اما تغییرات حادث در پایان جنگ سرد، پارامترهای خطوط مقدم و استراتژیک آمریکا در خاورمیانه را دگرگون ساخت، در نتیجه ترکیه اکنون خود را به جای حاشیه، در مرکز این محیط متحول یافته است (۲:۲۰۰۱ **papathanasis,**).

نگرش ایالات متحده به ترکیه (به عنوان متفقی که دارای توانایی پذیرش جایگاهی فعالتر در آسیاست) در دوره نوین که ناتو ماموریت‌های فراگیرتر بین المللی را مدنظر دارد، عناصر جدیدی را در معادله روابط آنها وارد ساخت. ایالات متحده که در محور شمالی دریای سیاه و خزر با قدرت‌های جهانی نظیر آلمان و روسیه در یک زمینه راهبردی قرار می‌گیرد، به نحوی متوجه است که در خط جنوبی اوراسیا که در طول

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

جنگ سرد نیز از اهمیت راهبردی بزرگی برخوردار بوده باید معادلات راهبردی را با توجه به بازیگران بیشتری پی ریزی نماید. این واقعیت که محور جنوبی شامل کشورهای مقاومی چون ایران و سوریه است، ترکیه را از نظر معادلات راهبردی منطقه ای به شریک غیرقابل چشم پوشی تبدیل می‌کند.

در معادلات آسیایی نیز فقدان تمرکز قدرت در آسیای غربی در مقابل قدرت روسیه در شمال و شمال غربی، چین در شرق و هند در جنوب باعث می‌شود آمریکا سیاستهای متکی بر ترکیه را در پیش بگیرد. امروزه تلقی آمریکا از ترکیه به مثابه شریکی راهبردی و بازیگری که همواره تمایل داشته وارد معادلات سیاسی اوراسیا شود، به عنوان توجیه راهبردی مناسب مورد پذیرش همه نخبگان آن قرار گرفته است. این نزدیکی راهبردی از این جهت که موضع چانه زنی ترکیه را در قبال اتحادیه اروپا و روسیه قوی تر می‌سازد، برای این کشور اهمیت بسیاری دارد (توغلو، ۱۳۸۳: ۶۲)

۳ - ۱ - ۲ - محور ترکیه - اسرائیل

از زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، ترکیه به عنوان نخستین دولت مسلمان این کشور را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی و اقتصادی مناسبی با آن برقرار ساخت. علاوه بر این واکنش کشورهای اسلامی - عربی به شناسایی اسرائیل، دولتمردان ترک را وادار نساخت تا روابط خود را با اسرائیل مخفیانه و محدود گردانند. همچنین عوامل دیگری همچون نیاز اسرائیل به داشتن معتمدی در منطقه خاورمیانه و نیز منافع مشترک این دو کشور در طول جنگ سرد - مطابق ایده بیگن یکی از اهداف اصلی و استراتژیکی این کشور در خاورمیانه، اتحاد با کشورهای پیرامون غیر عربی جهت اعمال فشار بر هسته عربی بود - به روابط آرام و پنهان دو کشور کمک نمود

از اواسط دهه ۱۹۹۰، در پی بروز برخی تحولات داخلی و منطقه ای روابط دو کشور وارد فاز استراتژیک شد. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، تحولات مهمی را در سطوح منطقه ای و جهانی در پی داشت. خط ایدئولوژیک ناشی از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی که در واقع فروپاشی گفتمان ژئوپلیتیک سنتی این مناطق بود، بر همگرایی ترکیه و اسرائیل مؤثر واقع شد. هر چند با فروپاشی اردوگاه شرق، ترکیه و اسرائیل تا حدودی اهمیت استراتژیک خود را نزد متحدان غربی خود از دست دادند، اما تهدیدات ناشی از تروریسم، اسلام گرایی افراطی و انتشار سلاحهای کشتار جمعی که همه پیامدهای استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بودند، این دو کشور را به متحدان استراتژیک آمریکا در منطقه بدل کرد (ملکی، ۱۳۷۷: ۴۱).

این دو کشور با توجه به شرایط جدید بین المللی و همچنین تحولات ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز پس از جنگ سرد تمایل پیدا کردند تا مناسبات خود را در زمینه نظامی - امنیتی و اقتصادی - تجاری گسترش دهند (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۰۹). در پی تحولات مهم نظامی که با تفوق ایالات متحده در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نمودار گشت، مقامات ترکیه دریافتند که نیروهای مسلح این کشور برای

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مقابله با تهدیدات جدید - قرن بیست و یکم - دارای تجهیزات نامناسبی هستند. آنان برنامه تجهیز و گسترش ساختار دفاعی خود را طراحی کردند و از طریق افزایش روابط نظامی با کشورهایی همانند اسرائیل توانستند قدرت نظامی خود را تا اندازه زیادی در سطح منطقه ارتقاء دهند. به دنبال این ارتقاء نظامی، ترکیه آشکارا در روابط استراتژیک خود با اسرائیل دارای امتیازات بیشتری شد، به طوری که از نظر آمریکا برای دفع خطرات احتمالی وارده بر اسرائیل، گزینه بی بدیلی به نظر می رسید (همان: ۱۱۱) در حال حاضر ترکیه و اسرائیل با عقد قراردادی امنیتی و استراتژیک درصدد هستند تا با تشکیل یک قطب اقتصادی - سیاسی و نظامی در منطقه توازن را به نفع خود تغییر دهند. این امر موجب واکنش کشورهای منطقه شده است، به طوری که کشورهای عربی با هدف تشکیل یک ضد اتحادیه درصدد گسترش همکاریهای همه جانبه خود با یکدیگر هستند. بدیهی است که یکی از محورهای مشترک همکاری‌های اسرائیل و ترکیه مقابله با جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشد. البته باید متذکر شد که نگرش و اهداف دو کشور در مورد ایران یکسان و مشترک نبوده است؛ اسرائیل همواره ایران را دشمن شماره یک خود در منطقه قلمداد کرده و تمام تلاش خود را در جهت منزوی کردن این کشور به کار گرفته است. اما ترکیه علیرغم برخی اختلافات با ایران همواره به عنوان یک طرف تجاری به ایران نگریسته و آن را فقط رقیب خود در سطح منطقه دانسته و از همین رو هدف خود از همکاری با اسرئیل را صرفا محدود کردن حوزه گسترش و نفوذ ایران در ابعاد مختلف اعلام کرده است. روی هم رفته تأثیرات مهم نظامی محور ترکیه و اسرئیل بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

الف) آسیب پذیری نظامی و مرزی ایران

یکی از اهداف اساسی اسرائیل در همکاری نظامی و سیاسی با ترکیه غلبه بر عمق استراتژیک ایران بوده و از آنجا که ایران به عنوان دشمن شماره یک این رژیم در منطقه مطرح است در نتیجه نزدیکی به مرزهای ایران از طریق خاک ترکیه برای اسرائیل امری حیاتی است. اسرائیل با همکاری و اتحاد با همسایگان ایران بیشتر از گذشته امکان دسترسی به مرزهای این کشور را دارد (یکتا، ۱۳۷۵: ۴۸).

ب) مقابله با جریان اسلام گرایی و اصول گرایی اسلامی

این دو کشور از ایران به عنوان حامی اصلی جنبش‌های اسلامی یاد کرده و سعی می‌کنند تا با تبلیغات گسترده مانع از گسترش اندیشه‌های سیاسی اسلام شده و نفوذ ایران را در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کاهش دهند. این منطقه، محیطی بکر و دست نخورده برای کشورهایی چون اسرائیل و ترکیه حائز اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواکولوژیکی و ژئواستراتژیکی است. لذا آنها با حمایت متحدان غربی خود سعی می‌کنند تا الگوهای ایدئولوژیک و سیاسی مورد نظر خود مدرنیزه غربی را در این جوامع عرضه کنند و به این طریق مانع از گسترش الگوی ایرانی در آنها شوند (ارس، ۱۳۷۸: ۶۳)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پ) تأثیرات اقتصادی و تجاری روابط ترکیه و اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مسئله لوله های نفت و گاز یعنی انتقال انرژی از کشورهای حوزه خزر به سمت کشورهای صنعتی نیز از عوامل تأثیرگذار روابط اسرائیل و ترکیه بر ایران است. پیمان ترکیه و اسرائیل با هدف منحرف کردن مسیر انتقال انرژی یکی از منابع تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به شمار می رود (Fraim, ۱۲۴:۲۰۰۱).

ت) گسترش پان ترکیسم در منطقه خاورمیانه

گسترش پان ترکیسم یکی دیگر از کانون های اصلی توجه ترکیه از پیمان استراتژیک خود با اسرائیل به شمار می رود. کاربرد الفاظی چون ترکستان بزرگ، اتحادیه بزرگ دولتهای ترک و کشورهای مشترک المنافع ترکی به خوبی گویای مقاصدی است که ترکیه از اتخاذ چنین سیاستی پیروی می‌کند. ترکیه سعی دارد با برانگیختن احساس پان ترکی مردمان ساکن حوزه جنوبی شوروی سابق، آنان را حول خود متمرکز ساخته و رهبری آنها را بر عهده بگیرد. این مسئله از این جهت که معارض با اسلام گرایی بوده و امنیت ایران را در مرزهای شمالی متاثر می سازد مورد حمایت اسرائیل نیز می باشد، به طوری که این کشور در موارد متعددی از این سیاست ترکیه استقبال نموده است.

۳ - ۱ - ۳ - مثلث ترکیه - اسرائیل - آمریکا

شکل گیری و توسعه مثلث ترکیه - اسرائیل - آمریکا، تداوم سیاست‌های ایالات متحده در قالب سیاست اتحاد و ائتلاف و تشکیل اتحادیه‌هایی همچون سنتو، شورای همکاری خلیج فارس و سیاست دو ستونه است. آمریکا که پس از جنگ سرد برای تسهیل مبارزه با تروریسم و تشدید فشار بر مخالفین در پی گسترش چنین اتحادیه های منطقه ای بود، هم اکنون با تدوام مناسبات ترکیه و اسرائیل قصد دارد تا با تقویت و گسترش این همکاری‌ها و وارد کردن کشورهای دیگر در آن، از مزایای خاص چنین سیاستی استفاده نماید. علاوه بر این، دو کشور ترکیه و اسرائیل دارای حکومت های لیبرال و مبتنی بر بازار آزاد هستند که می‌توانند در راستای اهداف امنیتی و اقتصادی آمریکا در منطقه قرار گیرند از طرف دیگر کاهش امیدواری نسبت به نزدیکی ترکیه به اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۹۰ نیز باعث شد که نخبگان کمالیست به فکر سناریویی جایگزین باشند. این سناریو همان توجه به بازی های سیاسی اوراسیا بود و در قالب این سناریو مثلث آمریکا به ترکیه و اسرائیل قرار داشت. این مثلث که بر قدرت نظامی آن استوار است می‌تواند در منطقه اوراسیا نقش مؤثری در منازعات و بحرانهای منطقه ای ایفا کند. این گرایش بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و توجه دوباره به اهمیت ژئوپلیتیک در سیاست خارجی و جهانی ایالات متحده آمریکا بیش از پیش تقویت شده است. برای درک اهمیت اور آسیا در استراتژی های سیاست خارجی آمریکا کافی است

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

توجه داشته باشیم که اصلی ترین مخالفین آمریکا یعنی ایران و روسیه در این منطقه قرار دارند (قهرمان پور، ۱۳۸۳: ۶۶).

آمریکا همواره در پی نادیده گرفتن جایگاه طبیعی ایران در نظام منطقه ای بوده است تا در رقابت منطقه ای ایران و فضاسازی توسعه حوزه نفوذ ایران را کاسته و در عوض توسعه نفوذ رقبای ایران را افزایش دهد. هدف از این اقدامات کاهش جایگاه منطقه ای ایران می‌باشد؛ یعنی همان چیزی که ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران است. آمریکا از ترکیه به عنوان نامزد مناسبی برای حضور در منطقه استفاده می کند و از فرصتهای توسعه طلبی آن کشور مثل توسعه اندیشه پان ترکیسم، تجاوز مکرر نظامی به شمال عراق، گسترش فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی در قفقاز و آسیای مرکزی حمایت می کند (حیدری و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در واقع از جهتی همکاری و همگامی ترکیه با اسرائیل جزئی از سیاستهای استراتژیک و اهداف نهایی آمریکا و اسرائیل در قالب طرح خاورمیانه بزرگ با هدف اتصال کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز در یک منطقه جغرافیایی است. بهینه سازی قدرت نظامی ترکیه را می توان عامل مؤثری در تأمین منافع استراتژیک آمریکا در این منطقه دانست، زیرا این کشور در مرکز کمربند بی ثباتی قرار دارد که از مدیترانه شرقی تا خاورمیانه گسترش یافته است. از طرفی دیگر ترکیه در تلاش است که بر عهده گیرنده نقش محوری استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در منطقه گردد ولی چون از نظر ساختار فرهنگی، نژادی، حکومتی و زبانی با کشورهای عرب منطقه همگونی ندارد، اسرائیل را هم پیمان طبیعی خود می یابد تا به کمک آن و ناتو، نقش چکش تعادل را در منطقه ایفا کند. همچنین ترکیه با عقد قراردادهایی با اسرائیل توانسته است نقش منطقه ای خود را در بالکان، اطراف دریای سیاه، قفقاز و آسیای مرکزی تکمیل نماید. شرایط جغرافیایی و همچنین ویژگیهای ژئوپلیتیک ترکیه چنین فضایی را برای این کشور به وجود آورده است.

به طور کلی ایالات متحده با اهداف استراتژیک، اسرائیل، با اهداف امنیتی و ترکیه با اهداف سیاسی و اقتصادی به برقراری مثلث استراتژیک مذکور پرداخته اند. بدیهی است که این مثلث استراتژیک و توسعه طلب، اهداف گسترده ای را در منطقه جغرافیایی خاورمیانه دنبال می کند.

ایالات متحده دارای منابع حیاتی و استراتژیک در این منطقه است و با برخی کشورهای معارض هژمونی واشنگتن بویژه ایران تعارض منافع دارد. ترکیه با کشورهای سوریه، ایران، روسیه، ارمنستان و یونان تعارض منافع دارد و اسرائیل با کشورهای چون سوریه، لبنان و ایران در حالت مواجهه و نزاع استراتژیک است (**Mufti,** ۵۳:۱۹۹۸). بنابراین مشاهده می شود جبهه گیری علیه ایران هسته اصلی اهداف این مثلث ژئوپلیتیکی است که از جنبه های مختلفی خود را نمایان ساخته است:

۱- برقراری روابط نهادینه استراتژیک بین دو متحد آمریکا در منطقه برای مقابله با بحران‌های احتمالی کشورهای به اصطلاح شرور منطقه بویژه ایران؛

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

۲- حفظ و گسترش پایگاه های نظامی در ترکیه و احتمالا در آذربایجان به منظور تعمیق اتحاد مزبور با مشارکت اردن، مصر و ازبکستان با هدف جلوگیری از توسعه طلبی روابط ایران با همسایگان شمالی؛

۳- ناامن سازی محیط امنیتی غربی ایران با توسل به نزدیک سازی اسرائیل به مرزهای باختری آن با هدف مهار مخالفت‌های جدی حکومت ایران با جریان صلح خاورمیانه؛

۴- گسترش و تعمیق زنجیره تهاجمی - استراتژیک علیه برخی قدرت های منطلقه ای معارض با توسعه طلبی آمریکا در منطقه، بویژه ایران، با عضوگیری جدید آذربایجان و ازبکستان در منطقه دریای خزر و کشورهای مصر و اردن در منطقه خاورمیانه؛

۵ - سیطره بر منابع انرژی دریای خزر و خلیج فارس از طریق آماده سازی نظامی ترکیه و اسرائیل در مقابله با بحران‌های جدی در مقابل رقبای تجاری چون اروپا و کشورهای جنوب شرق آسیا که طرف تجاری ایران محسوب می‌شوند؛

۶- تبدیل ترکیه به ترمینال نفتی غرب و آمریکا در مدیترانه و مبدل ساختن اسرائیل به همکاری تجاری - نفتی آمریکا در منطقه خلیج فارس با ضمانت قوی نظامی مثلث واشنگتن - تل آویو - آنکارا، که عملا انزوای استراتژیک و ژئواکونومیک ایران را در پی دارد؛

۷- حمایت اقتصادی - سیاسی از ترکیه لائیک برای مبدل ساختن این کشور به الگوی توسعه سیاسی و اقتصادی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در مقابل الگوی توسعه اسلامی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی؛ پافشاری مشترک آمریکا و ترکیه به همراه اسرائیل به اجرای خط لوله دریای خزر، با توجه به آسیب پذیری آشکار زیست محیطی این دریا و آثار جبران ناپذیر آن بر منافع دراز مدت ملی ایران.

۳ - ۲ - ژئوپلیتیک نوین ترکیه (محور ترکیه - اتحادیه اروپا)

۳ - ۲ - ۱ - شکل گیری محور ترکیه به اتحادیه اروپا

از زمان تاسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب و بویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. در حالی که در گذشته روابط دو طرف آکنده از بی اعتمادی و سوء تفاهم بوده اما در حال حاضر ترکیه نزدیک ترین روابط را با اروپا دارد. برای آتاتورک و ترک های جوان، اروپا مظهر تمدن و پیشرفت و اروپایی شدن هدف نهایی تعریف شده بود. از طرف دیگر اهمیت استراتژیکی و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه بعنوان پل ارتباطی آسیا و اروپا باعث شده است تا کشورهای اروپایی (اتحادیه اروپا) برای تأمین منافع خود در منطقه و بویژه منافع امنیتی، نیازمند همکاری ترکیه باشند. وضعیت جغرافیایی ترکیه به گونه ای است که می تواند بحران های خاورمیانه و قفقاز را سریعا به اروپا منتقل نماید؛ از این رو کشورهای اروپایی نیازمند همکاری های گسترده امنیتی با ترکیه می باشند. اتحادیه اروپا نیز به این موقعیت استراتژیکی ترکیه واقف بوده و معتقد است که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا جایگاه اروپا را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

در منطقه تقویت خواهد کرد. وضعیت فوق نوعی وابستگی متقابل امنیتی را میان ترکیه و غرب ایجاد کرده است و دلیل آغاز مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپای را باید در همین واقعیتها جستجو کرد

(قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۴) «اگرچه مصطفی کمال» در دوران حیاتش نتوانست پیوندهای مورد نظر خود را با جهان غرب ایجاد کند، اما جانشینانش با استمرار سیاستهای تدوین شده از سوی وی، در سال ۱۹۴۹ اولین گام عملی را در جهت همگرایی با اروپا برداشتند و ترکیه را در این سال به عضویت شورای اروپا در آوردند. متعاقب این، ترکیه در سال ۱۹۶۳ با امضای موافقتنامه آنکارا به عضویت کامل جامعه اقتصادی اروپا نائل شد و در گام بعدی در سال ۱۹۷۳ پروتکل الحاقی مربوط به جامعه اقتصادی اروپا را امضا کرد. اما همزمان با این حرکت، معیارهای گسترش جامعه اروپایی به واسطه ورود یونان، پرتغال و اسپانیا و همچنین پایان جنگ سرد تغییر کرد (رستگار، ۱۳۸۴: ۶).

طبق تئوری نئورئالیستی کنت والتز که ساختار نظام بین الملل شکل دهنده سیاست بین الملل بوده و خود را بر دولتها و سازمانها تحمیل می نماید (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۳: ۱۴۳). با فروپاشی نظام دو قطبی و تغییر در نظام بین الملل، هویت خارجی اتحادیه اروپا از یک سازمان اقتصادی به یک حامی حقوق بشر و دموکراسی تغییر پیدا کرد. این در حالی بود که در جامعه ترکیه دو تحول بسیار مهم رخ داد: نخست، اوج‌گیری حرکت های اسلامی و دوم، تقویت ناسیونالیسم کردی که روند دموکراتیزاسیون را در این کشور با مشکلات جدی مواجه کرد و موجب عدم رغبت رهبران اروپایی به پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا شد باد فروکش کردن جریان های اسلام گرا و دستگیری عبدالله اوجالان و سپس برگزاری انتخابات، فضای متشنج سیاسی ترکیه اندک اندک بهبود یافت و زمینه برای توجه به حاکمیت قانون، حقوق بشر و دموکراسی افزایش یافت. در همین روند ترکیه درخواست رسمی خود را برای عضویت کامل در جامعه اروپا و اتحادیه گمرکی اروپا ارائه کرد و در ژانویه ۱۹۹۶ به عنوان آخرین گام به عضویت اتحادیه گمرکی اروپا پذیرفته شد. با عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی، کشورهای اروپایی در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» شروط و معیارهای جدیدی را برای عضویت دول جدید در اتحادیه اروپا تدوین کردند. بر این اساس کشورهای کاندیدا قبل از عضویت کامل در اتحادیه اروپا باید شرایط زیر را دارا باشند: ثبات و پایداری که ضامن دموکراسی هستند، حکمرانی قانون، حقوق بشر و حمایت از اقلیتها، وجود یک اقتصاد کار آمد، قابلیت تحمل فشارهای رقابتی و توانایی بر آمدن از عهده وظایف شامل تبعیت از اهداف سیاسی – اقتصادی و مالی که اتحادیه، آنها را ایجاد کرده است (اطهری، ۷: ۱۳۸۴).

کمیسیون های اتحادیه اروپا برای عملی کردن مصوبات اجلاس کپنهاک شروع به تهیه و آماده سازی یک برنامه جهت الحاق ترکیه نمودند که این چارچوب در مارس ۲۰۰۱ مورد تأیید کشورهای عضو اتحادیه قرار گرفت. در جلسه آوریل ۲۰۰۱ شورای اتحادیه اروپا هشت کمیته فرعی جهت بررسی چگونگی هماهنگی و تطابق قوانین ترکیه با قوانین ورود به اتحادیه اروپایی را ایجاد کرد. مهمترین اقدامی که در این بین انجام گرفت، بازبینی در قانون اساسی ترکیه و ترمیم ۳۴ ماده از مجموع قوانین آن بود. این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ترمیم سطح وسیعی از موضوعات را از جمله توجه بیشتر به حقوق بشر، تقویت قانون مداری و بازسازی نهادهای دموکراتیک را شامل می شد. از طرف دیگر دولت ترکیه همزمان برنامه ملی خود را در مارس ۲۰۰۱ به منظور بکارگیری ابزار مؤثر و مفید برای گذار از مرحله قبل از الحاق ترکیه به اتحادیه اروپائی و ورود به مرحله عضویت کامل تبیین نمود. برنامه مذکور که یک سند مفصل می‌باشد، بسیاری از اولویت بندی هائی که در بحث عضویت کامل ترکیه در اتحادیه مطرح است را مشخص می کند. این برنامه بحث مفصلی را در خصوص اصلاحات سیاسی و اقتصادی ترکیه را اعلام نموده و شامل فهرستی از اقداماتی است که انجام شده و یا باید انجام پذیرد. مقامات ترکیه با انجام اصلاحات مقتضی اعلام کرده اند که این کشور آماده احراز عضویت کامل در اتحادیه اروپا است (**Turkish national program,** ۲۰۰۱).

دولت ترکیه در این برنامه در ساختارهای سیاسی – اقتصادی و اجتماعی خود تجدیدنظر اساسی انجام داده تا بتواند آن را با معیارهایی که اتحادیه اروپا معین کرده تطبیق دهد. امروزه این ادعای کلی را می توان مطرح کرد که همگرایی بیشتر ترکیه با اتحادیه اروپا، کمالیسم را که مانع اصلی همکاری بیشتر ایران و ترکیه از یک طرف و نزدیکی بیشتر ترکیه به اتحادیه اروپا از طرف دیگر است، تضعیف نموده و طبیعتا روند حرکت کشور را به دوره پسا کمالیسم تسهیل خواهد کرد. بخش قابل توجهی از مشکلات موجود میان ایران و ترکیه، همان موانع پیش روی ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپاست، موضوعاتی نظیر مسئله کردها، اسلام گرایی و حقوق بشر است که در تحلیل نهایی ریشه در منطق برخاسته از کمالیسم دارد. در یک تعبیر فلسفی تر می توان گفت، نزدیکی بیشتر ترکیه به اتحادیه اروپا در دهه آینده، منطق حکومت یا فلسفه وجودی دولت را در این کشور به صورت بنیادین متحول خواهد کرد و پیامد این امر تجدید نظر اساسی نخبگان ترک در سیاست داخلی و خارجی این کشور است که طبعا از بعد خارجی به نفع ایران خواهد بود. حتی با فرض این که ترکیه در نهایت عضو کامل اتحادیه اروپا نخواهد شد، اصلاحات سیاسی، حقوقی و اقتصادی انجام گرفته در این کشور می‌تواند زمینه های ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا را به تنهایی برآورده کند. بنابر این مهمترین مسئله فرایندی است که در ترکیه آغاز شده، نه پیامدهایی که از آن بوجود آمده است (قهرمان پور، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

علی رغم اختلاف نظر های داخلی موجود میان سیاستمداران ترکیه در خصوص ماهیت اصلاحات گسترده سیاسی و اقتصادی الزام شده از سوی اتحادیه اروپا، ترکیه در مسیر صحیح پذیرش ضرورت اصلاحات برای تأمین خواسته‌های اتحادیه اروپا قرار دارد. اکثریت مردم ترکیه احساس می‌کنند که منافع به دست آمده از طریق عضویت در اتحادیه اروپا بر محدودیت‌های وارد بر حاکمیت و حفظ نظام قدیمی (کمالیست) این کشور غلبه دارد. تحولات داخلی ترکیه در دهه گذشته، این کشور را وارد نقطه عطفی در سیاست داخلی کرده؛ نقطه عطفی که امکان تداوم وضع موجود و قدرتمندتر شدن کمالیسم را تا حد زیادی ناممکن کرده است. پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در چندین دوره انتخابات پارلمانی و تشکیل یک حکومت قدرتمند به رهبری «رجب طیب اردوغان» فضای جدیدی را در عرصه سیاست

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

داخلی و خارجی این کشور گشوده است. ارکان سیاست داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه مبتنی بر پیشبرد اصلاحات اقتصادی و خصوصی سازی از یک سو و تلاش برای وارد کردن ترکیه در اتحادیه اروپا از سوی دیگر می باشد.

۳ - ۲ - ۲ - شکل گیری محور ترکیه - اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

اتحادیه اروپا به مثابه نیروی موثر در عرصه تعاملات بین المللی، نقش ویژه ای در بازتعریف امنیت راهبردی از روندهای امنیت منطقه ای و بین المللی دارد. این نقش نه تنها سیاست‌های جهانی، بلکه اصولا ژئوپلیتیک جهانی را متحول کرده و بسیاری از ائتلاف های امنیتی ناگزیر شده اند تا سیاست ها و دکترین های دفاعی - امنیتی خود را دوباره تعریف نمایند. مثلا اتحادیه اروپا تلاش نموده تا در مقابل مقوله «ژئوپلیتیک نوین جهانی» - که بر ساخته نظری و عملی ایالات متحده آمریکا در مناطق استراتژیک جهان است - سیاست «توازن استراتژیک بین المللی» را بویژه در منطقه خاورمیانه مورد نظر قرار دهد و از این طریق به افزایش سطح تأثیرگذاری خود بپردازد.

اتحادیه اروپا که در حال حاضر پس از آمریکا، بیشترین توان اقتصادی و سیاسی را در نظام بین المللی دارد، در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طرح های متعددی را در راستای افزایش حضور خود در خاورمیانه آغاز کرده که البته اکثر آنها به نتیجه مطلوب نرسیده اند. از همین رو بسیاری از تحلیل گران این اتحادیه را نه شریک استراتژیک برای آمریکا بلکه غالبا منابع و پیرو آن در سطح خاورمیانه تلقی می‌کند. ولی واقعیت این است که اتحادیه اروپا بنا به ماهیت منطق هزینه - فایده و با توجه به خط انرژی خود (بر خلاف آمریکا) می کوشد نفوذ راهبردی - امنیتی خود را در محیط امنیتی خاورمیانه بویژه پیرامون جمهوری اسلامی ایران بیشتر نماید. از این رو در سیاستگذاری‌های مبتنی بر توازن استراتژیکی اتحادیه اروپا، موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴). و در حال حاضر اتحادیه اروپا سعی دارد تا از طریق سیاست هایی همچون سیاست همسایگی به تحکیم موضع خود در منطقه بپردازد. از جمله مسائل مهمی که اتحادیه اروپا با آن مواجه است و به شکل همزمان به گسترش اتحادیه و سیاست خارجی و امنیتی مشترک مربوط است، سیاست اتحادیه اروپا در خصوص کشورها و مناطق مجاور اتحادیه است. این سیاست که به «سیاست همسایگی اتحادیه اروپا» موسوم است، با قطعی شدن مسئله گسترش اتحادیه اروپا و افزایش اعضا از ۱۵ به ۲۵ و افزوده شدن تعدادی از کشورهای شرق و مرکز اروپا به اتحادیه از سال ۲۰۰۴ در پیش گرفته شده است. هدف کلی این سیاست رفع نگرانی بالقوه از تبدیل شدن مرزهای اتحادیه اروپا به دیواری حائل بین اتحادیه و همسایگان آن و ایجاد حلقه ای از کشورهای دوست از مراکش تا روسیه و قفقاز است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

(**www.eropa.eu.int.com , ۲۰۰۳**). این سیاست بر ترویج ثبات در داخل کشورهای همسایه و در روابط آنها با اتحادیه اروپا و توسعه اقتصادی و سیاسی این کشورها تأکید می کند. در واقع کشورهای مشمول این سیاست بدون آنکه به عضویت اتحادیه اروپا در آیند از روابط نزدیک با آن برخوردار می‌شوند و می‌توانند در چارچوب این سیاست از موافقت نامه‌ها و امتیازات مختلف همچون اولویت در مناسبات اقتصادی و تجاری بهره مند شوند.

مبنای منطقی ایجاد چنین سیاستی برگرفته از منطق گسترش بود: «به هر میزان که همگرایی و همکاری بین کشورها افزایش یابد و هر قدر که حوزه صلح، توسعه اقتصادی و دموکراسی گسترش یابد، اتحادیه از ثبات و امنیت بیشتری برخوردار خواهد بود» (**Balfor and Rotta ,7- 20:2005**).

محدوده اجرایی سیاست همسایگی اتحادیه اروپا کشورهایی را در برمی گیرد که با در همسایگی اتحادیه اروپا قرار دارند و یا در آینده و در ادامه فرایند گسترش به عضویت اتحادیه در خواهند آمد. سیاست همسایگی اروپایی از آغاز تاکنون در قالب ابزارهای مختلفی اعمال می شده است. بسیاری از این برنامه‌ها پیش از آغاز سیاست همسایگی نیز به صورت منفرد با بعضی از کشورهای ذیربط اجرا می‌شد. در حال حاضر سیاست همسایگی در چارچوب برنامه های همسایگی مبتنی بر شبکه‌های بین منطقه ای اجرا می‌شود. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به صندوق توسعه منطقه اروپایی برای کشورهای همسایه در شرق اروپا و کمک های فنی به دولت های مستقل همسو برای جمهوری‌های سابق شوروی اشاره کرد. در حال حاضر اتحادیه اروپا در حال انجام دگرگونی‌هایی در برنامه‌های خود در ارتباط با کشورهای مجاور است که از سال ۲۰۰۷ به اجرا در آمده است. ترکیه همچنان در صف مقدم ورود به اتحادیه اروپاست (**rotta & Balfor , ۲۳:۲۰۰۵**). به طور کلی می توان گفت که اتحادیه اروپا با فراهم آوردن چهار گروه از امتیازات سعی دارد تا از آنها به عنوان اهرمهای مشوق کشورهای همسایه بهره گیرد. این چهار گروه از امتیازات عبارتند از: آزادی رفت و آمد افراد، کالاها، خدمات و سرمایه. با این حال چنانچه یک کشور به این سطح از همکاری ها با اتحادیه اروپا دست پیدا کند، بدون آنکه به عضویت اتحادیه در آمده باشد می‌تواند از روابط بسیار نزدیک با اتحادیه بهره مند شود (**rotta & Balfor , ۲۴:۲۰۰۵**). با این توضیحات و با فرض تحقق محور ترکیه، اتحادیه اروپا آثار پیوستن ترکیه به این اتحادیه برای ژئوپلیتیک ایران را می توان به صورت زیر تشریح کرد:

۱) بهبود و تقویت ارتباط جهان غرب با جهان اسلام و امکان بهبود روابط ایران و اتحادیه اروپا پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا تحول بسیار مهم و حیاتی در روابط میان اروپا و کشورهای اسلامی خواهد بود. با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، این کشور می تواند نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی غرب و خاورمیانه و جهان اسلام ایفا کند و در راه تحقق صلح پایدار و امنیت اروپا گام بردارد. در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی «ساموئل هانتینگتون» نظریه «نزاع تمدن‌ها» را مطرح کرد. وی با مطرح کردن هشت گسل تمدنی در سراسر جهان ادعا کرد که جدی ترین تهدید پس از شوروی سابق، برخورد این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

گسل‌های تمدنی در جهان است. در صورت موفقیت آمیز بودن روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا می‌توان به روشنی نشان داد که اسلام توانایی تبدیل شدن به بخشی از فرهنگ اروپا را داراست. به علاوه این امر، افسانه ستیز اجتناب ناپذیر تمدن ها را از بین خواهد برد. افزون بر این عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بر تحولات سیاسی داخلی در سایر کشورهای اسلامی تأثیر خواهد گذاشت. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا سند غیر قابل انکاری برای اثبات این ادعا خواهد بود که اروپا یک باشگاه مسیحی بسته نیست. این موضوع ماهیت اتحادیه اروپایی را به عنوان جامعه ای که قدرت خود را از گوناگونی اش می‌گیرد و با ارزش های مشترکی چون آزادی، دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر منسجم مانده است، اثبات می کند. در قرن ۲۱، یک اروپای چند قومی، چند فرهنگی و چند مذهبی که ترکیه را در درون خودش پذیرفته باشد می‌تواند پیام اجتناب پذیر بودن جنگ تمدن ها را برای کل جهان به ارمغان داشته باشد؛ از این راه اتحادیه اروپایی می تواند نقش قابل توجهی را در آینده روابط غرب و دنیای اسلام ایفا کند. استدلال اروپا در مورد عضویت ترکیه به اتحادیه اروپا این است که پیوند این اتحادیه با ترکیه باعث ایجاد پلی ارتباطی با اسلام و نمونه ای برای کشورهای خاورمیانه خواهد بود.

«رجب طیب اردوغان» نخست وزیر ترکیه طی دیداری از آلمان اظهار داشت: «اتحادیه اروپا یک کانون مسیحی نیست بلکه مجموعه سیاسی از ارزش های مشترک است. ترکیه با پیوستن به این اتحادیه نقش مهمی را در جلوگیری از جدایی فرهنگی و سیاسی ایفاء و در راه تحقق صلح، پایدار و امنیت اروپا کمک‌های موثری خواهد کرد» (نظر بیگی، ۱۳۸۴: ۵).

بنا به گفته «بنیتا فرور» کمیسر سیاست خارجی اتحادیه اروپا، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا می‌تواند زمینه‌های لازم و مساعد را برای گشایش درهای این اتحادیه، به منظور گفتگو با ایران نیز فراهم کند. با توجه به تشابهات تاریخی و فرهنگی میان ایران و ترکیه، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا می‌تواند هم ایران و هم اتحادیه اروپا را متقاعد کند که عضویت ایران در اتحادیه اروپا به نفع هر دو طرف است. ورود ایران به اتحادیه اروپا می‌تواند قدرت این اتحادیه را در خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب غرب آسیا به طور قابل توجهی افزایش دهد. روی هم رفته در چنین شرایطی ایران چه در داخل اتحادیه اروپا و چه در خارج از آن به عنوان کانون ویژه جهان اسلام تأثیرات گسترده ای می پذیرد. نزدیک شدن ایران به اتحادیه اروپا چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ سیاستهای همگرایانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، محاصره نظامی - امنیتی آن را که در حال حاضر بر اثر اجرای سیاستهای طرح خاورمیانه بزرگ در حال شکل گیری است، از بین برده و در عوض بدیل مناسبی را برای مقابله با سیاستهای آمریکا در اختیار آن قرار می دهد. در این وضعیت با پیشروی اتحادیه اروپا به سمت جهان اسلام که حوزه ریملند جهانی است، احتمال قطب بندی جهان اسلام در دو بلوک ایالات متحده و اتحادیه اروپا وجود دارد. تجربه تاریخی نشان داده است که ایران در درون نظام دو قطبی چه در سطح منطقه ای و چه در سطح بین المللی بهتر قادر بوده است از فرصتهای ژئوپلیتیکی خود سود ببرد. بنابراین با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پیشروی آن در جهان اسلام فرصتهای ژئوپلیتیکی جدیدی برای ایران پدید می آید که در پرتو آن قادر خواهد بود استراتژیهای امنیتی خود را بهتر اجرا کند.

۲) امنیت بیشتر مرزهای ایران

یکی از نکات محوری استراتژی امنیتی اروپا، که در دسامبر ۲۰۰۳ به تصویب رسید، لزوم ایجاد کمربندی از کشورهای بهره مند از حکومت های کار آمد در حاشیه اتحادیه اروپاست. در صورت پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا، مرزهای ایران با ترکیه تبدیل به مرزهای ایران با اتحادیه اروپا خواهد شد. بدیهی است که در این حالت سیاست همسایگی اتحادیه اروپا شامل حال ایران نیز خواهد شد و این به معنی گسترش ثبات و امنیت در مرزهای غربی ایران است. از طرفی دیگر هم مرز شدن ایران با اتحادیه اروپا اهمیت بین المللی و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را باز هم افزایش خواهد داد و موجب کاهش اختلافات هنجاری میان ایران و نظام بین الملل خواهد شد.

۳) افزایش سرمایه گذاری‌ها

پس از عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا میزان سرمایه گذاریها در این کشور چه از سوی اعضای اتحادیه و چه خارج از اتحادیه افزایش زیادی خواهد یافت. افزایش سرمایه گذاریها در ترکیه با توجه به همسایگی این کشور با ایران و روابط و مراودات خوب اقتصادی دو کشور، تحولات مثبتی را نیز در عرصه سرمایه گذاریهای در ایران به وجود می‌آورد. در این زمینه موافقتنامه «اکوتا» در درون سازمان اکو نیز می‌تواند موجب گسترش همکاریهای مربوط به سرمایه گذاری و تجارت گردد(طلایی، ۱۳۷۵: ۱۰۰). اجرای سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در ایران طبعا محیط امنیتی مناسبی را برای سرمایه گذاری خارجی ایجاد خواهد کرد، که بالطبع نظام این کشور را به سمت همگرایی با مسائل جهانی سوق خواهد داد.

٤) دسترسی آسان به بازارهای فرامنطقه ای

بازار اروپا از بزرگترین بازارهای مصرفی جهانی است. طی چند سال گذشته گسترش مناسبات تجاری این قاره در درون و بیرون خود به خوبی این امکان را فراهم کرده است که با حضوری هرچه فعالتر بتواند از بازارهای این اتحادیه بهره گیری نماید. تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران چه در صادرات نفت خام و چه در اهداف صادرات غیرنفتی بی تردید از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا بیشترین مراودات تجاری ایران با کشورهای عضو این اتحادیه صورت می گیرد. لذا با عضویت ترکیه اتحادیه اروپا راه ورود ایران به بازارهای گسترده اروپایی و راه ورود اتحادیه به بازارهای ایران هموارتر گردیده، به گونه ای که متقابلا می‌توانند نسبت به بهبود و ارتقاء مبادلات و حضور در بازاریابی یکدیگر بهره برداری لازم را بنمایند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

دسترسی آسان به بازارهای اروپا پیشاپیش مرزهای تجاری ایران را در غرب کشور ایمن ساخته و طبعا با اعمال سیاست های خاص اتحادیه اروپا، محیط امنیتی مناسبی ایجاد می‌شود. بدین ترتیب در پرتو این تحول مرزهای غربی ایران که در طول تاریخ منشأ ناامنی‌های گسترده سرزمینی، سیاسی و اقتصادی بوده‌اند، امن شده و چه بسا در اثر آن قلب اقتصادی کشور که هم اکنون در جنوب است به این منطقه تغییر مکان دهد. از بعد امنیتی از بین بردن حفره های دولت در مرزهای غربی کشور بویژه در زمینه های قاچاق کالا، خلع سلاح تروریستها و فائق آمدن بر چالشهای قومی که همواره باعث آزردگی دولت و تحمیل هزینه‌های سنگین بر آن بوده اند، بارزترین پیامد این تحول ژئوپلیتیکی خواهند بود.

۵) افزایش اهمیت انرژی ایران

خط لوله گاز ایران به ترکیه مهمترین خط لوله ای است که گاز ایران را به خارج از مرزها منتقل می کند. به رغم اینکه ترکیه، گاز مورد نیاز خود را به نسبت خوبی از ایران وارد می‌کند و با اینکه آمریکا با برقراری خط انتقال گاز ایران مخالف است، اما ترکیه به رغم سیاستهای آمریکا، همکاری با ایران را ترجیح داده و با فعال شدن انتقال گاز ایران به کشور خود موافقت نموده است. در صورت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، با توجه به هم مرزی ایران با اتحادیه اروپا و جایگاه ژئوپلیتیکی آن، اهمیت منابع انرژی ایران در روابط با اتحادیه اروپایی افزایش یافته و موجب دسترسی آسان تر اتحادیه به این منابع می گردد. از خطوط لوله گاز ایران به ترکیه نیز می‌توان به عنوان پایگاهی برای روابط بیشتر با اتحادیه اروپا استفاده نمود. در آینده ممکن است این خطوط لوله به مرکز و شمال و غرب اروپا امتداد یابد و ایران نیز برای انتقال نفت و گاز خزر به ترکیه روی آورد (ایزر، ۱۳۸۴: ۲۴۶).

در صورت تحقق چنین وضعیتی سیاستهای تجاری ایران در زمینه انتقال انرژی در چتر حمایتی اتحادیه اروپا قرار گرفته و با گسترش این روابط، محیط امنیتی مناسبی در پرتو اتحادیه‌ها و موافقت نامه‌های مختلف تجاری پدید می‌آید.

٦) تضعیف مثلث آمریکا - ترکیه – اسرائیل

اگرچه ترکیه صرفا عضو ناظر در اتحادیه اروپایی محسوب می‌شود، اما شواهد موجود نشان می دهد که همکاری های نظامی ترکیه با اسرائیل و آمریکا، مانعی در جهت حداکثرسازی روابط سازمان یافته با اتحادیه اروپا است. این مسئله موقعیت نظامیان ترکیه را ارتقاء می‌دهد، اما در عوض شرایط را برای فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی این کشور سخت کرده و امکان تحرک آن برای مشارکت در پیمانهای منطقه ای اروپایی را کاهش می دهد. از طرف دیگر اتحادیه اروپا نیز در زمینه مشارکت نظامی ترکیه در ناتو و ابراز اینکه اروپا برای امنیت خود تا حدی وابسته به ترکیه باقی بماند، مخالف است. هم اکنون کشورهای اروپایی با تناقض های زیادی در مورد امنیت خود روبرو هستند. آنان هنوز نتوانسته اند در مورد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

معادله همکاری با کشورهایی همانند ترکیه و اسرائیل در شرق مدیترانه به جمع بندی مناسبی برسند، این در حالیست که آمریکا تلاش دارد تا قدرت نظامی واحدهای یاد شده را ارتقاء داده و موقعیت نظامی ترکیه را در اروپا تثبیت کند. این امر در چارچوب منافع استراتژیک آمریکا سازماندهی می شود و طبعاً کشورهای اروپایی با این روند مخالف هستند. آنها معتقدند که امنیتی شدن جهان و منطقه به رهبری آمریکا به موقعیت اروپا آسیب می‌رساند. طبیعتا ترکیه نیز باید از این سیاست پیروی کند و در راستای همگامی با سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا گام بردارد تا بتواند به عنوان یک عضو این اتحادیه در شکل دهی مواضع مشترک اتحادیه اروپایی مشارکت داشته باشد و این خود به خود تضعیف مثلث ترکیه - آمریکا به اسرائیل را در پی خواهد داشت. تضعیف این مثلث که محوری ترین هدف آن مخالفت با سیاستهای ایران در سطح منطقه است به موقعیت ژئوپلیتیک ایران کمک خواهد کرد. با کمرنگ شدن نقش ترکیه در مثلث یاد شده و از طرفی پیوستن آن به اتحادیه اروپا چالش های امنیتی ایران که هم اکنون در قالب طرح خاورمیانه بزرگ مطرح است و همچنین تهدیدهای وارده از جانب اسرائیل رنگ باخته و طبعا موقعیت مناسب تری را برای ایران به ارمغان می آورد.

۷) فرصت‌های ناشی از سیاست همسایگی اتحادیه اروپا برای ایران

ظاهراِ هدف سیاست همسایگی اتحادیه اروپا بسط صلح، امنیت، توسعه اقتصادی و دموکراسی در کشورهای مجاور در جهت تثبیت و توسعه ثبات و امنیت در داخل اتحادیه اروپاست و محدوده اجرای این سیاست کشورهایی را در بر می گیرد که با در همسایگی اتحادیه اروپا قرار دارند و یا در آینده در ادامه فرایند گسترش به عضویت اتحادیه در خواهند آمد. با توجه به اینکه ترکیه در حال حاضر در فرایند مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا قرار دارد، در صورت پیوستن این کشور به این اتحادیه، جمهوری اسلامی ایران مشمول سیاست همسایگی خواهد شد و فرصت های مهمی در اختیار آن قرار خواهد گرفت. همکاری و گفتگوی مؤثر سیاسی، حمایت از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، همکاری در زمینه مبارزه با تهدیدات امنیتی مشترک، و همکاری در زمینه مدیریت بحران از مهمترین فرصت‌های قابل ذکر در این زمینه است.

از طرف دیگر اتحادیه اروپا علاقه مند به معرفی خود به عنوان بازیگری عمده در تحولات منطقه ای است و به دنبال آن است تا جایگاه خود را در بین کشورهای منطقه به عنوان یک همسایه قدرتمند تقویت کند. در شرایط کنونی که روند تحولات خاورمیانه، اوضاع افغانستان و عراق، مسائل خلیج فارس، دریای خزر و آسیای مرکزی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است، اتحادیه اروپا از طریق یارگیری از کشورهایی ذی نفوذ منطقه در صدد تقویت موضع خود در روند تحولات منطقه است و در این میان ایران از جایگاه استراتژیکی برجسته ای برای این اتحادیه برخوردار است. از نظر راهبردی ایران در مرکز ذخایر انرژی جهان واقع است. ایران طولانی ترین مرز با خلیج فارس و دریای عمان و یکی از طولانی ترین سواحل را با

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

حوزه منابع انرژی از دریای خزر دارد. ایران از اعضای فعال و مؤثر سازمان کنفرانس اسلامی و از بنیان گذاران و اعضای اصلی سازمان منطقه ای همکاریهای اقتصادی (اکو) است. تبادل نظر و همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا در این زمینه‌ها می‌تواند در کمک به ثبات اقتصادی، توسعه و برقراری صلح جهانی نقش مؤثری ایفا کند، و از همه مهمتر ایران تنها کشور مستقل و خارج از نفوذ آمریکا در منطقه است که اتحادیه اروپا در آینده می تواند آنرا به عنوان پلی برای نفوذ و بسط قدرت جهانی خود در منطقه قرار دهد.

۸) افول پان ترکسیم در منطقه و ارتقاء موضع ایران

یکی از علتهای وجودی شکل گیری دولت ترکیه، ترک گرایی بوده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور جمهوری های ترک زبان در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی سیاست پان ترکسیم ترکیه در منطقه به نقطه اوج خود رسید، به طوریکه سلیمان دمیرل در سال ۱۹۸۵ در کنفرانس کشورهای ترک زبان اعلام نمود جهان ترک که محدوده ترکیه تا مرزهای چین را شامل می شود در حال شکل گیری است، اما ترکیه در ادامه متوجه شد این کشورها نه به عنوان اقمار بلکه به صورت یک بار اقتصادی هزینه زیادی را متحمل کشور خواهند کرد. از طرف دیگر با توجه به حساسیت اتحادیه اروپا به بحث قوم گرایی و تبعیضات قومی، عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا منوط به چشم پوشی قابل ملاحظه ترکیه از تبلیغات پان ترکیستی در نواحی فرامرزی خود شده است. این روند عرصه را برای عملکرد فعال سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی بازتر می‌نماید. طبعا با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، سیاست‌های پان ترکیستی در سطح منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی رنگ می بازد و در این فرآیند فضای مناسبی برای خودنمایی ایران و طرح الگوهای توسعه آن در این مناطق ایجاد می‌شود. این روند همچنین به فروکش کردن تنش‌های قومی در مرزهای شمال غربی ایران که به واقع یکی از حفره های اصلی دولت است، منجر می گردد.

۹) حل و فصل مسئله کردها

چالش های قومی کردها و ایده های بلندپروازانه آنها در خصوص تشکیل دولت مستقل، همواره از دغدغه‌های اصلی حکومتهای ایران و ترکیه بوده است. این دغدغه در دوره پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با تحولاتی که در امور داخلی کشور عراق و فدرالی شدن آن صورت گرفته، صبغه پررنگ تری به خود گرفته است. برخی از کارشناسان و صاحب نظران سیاست بین الملل معتقدند که تشکیل دولت مستقل کرد در عراق اولین مرحله تحولات سرزمینی طرح خاورمیانه بزرگ از جانب ایالات متحده در منطقه خاورمیانه است.

به نظر می رسد اتحادیه اروپا و رویکرد آن در خصوص چالش های قومی ترکیه، بدیل مناسبی در اختیار ایران و همچنین سایر کشورهای دارنده قوم کرد یعنی سوریه و عراق قرار خواهد داد. اروپائی‌ها مایل به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ایجاد تحولات سرزمینی در نقشه کنونی خاورمیانه که در واقع خودشان طراح و مدیر اجرایی آن بوده اند نیستند و از همین رو همواره در مقابل سیاستهای آمریکا مقاومت کرده اند.

با توجه به نفوذی که آمریکا در منطقه فدرالی کردستان عراق اعمال کرده است تشکیل دولت مستقل کرد به نفع اروپائیها نیست. لذا اتحادیه اروپا همواره به حل و فصل مسالمت آمیز مسئله قومیتها در سطح منطقه خاورمیانه اهتمام ورزیده است. اتحادیه اروپا تاکنون کردهای ترکیه را به عنوان یکی از دلایل عدم پذیرش ترکیه در این اتحادیه عنوان کرده است. از نظر اتحادیه اروپا چالش های قومی کردها در ترکیه صرف نظر از عدم رعایت مسائل ماهوی حقوق بشر و دموکراسی، کل قاره اروپا را متاثر کرده و باعث بروز تنش و ناامنی در روابط کشورهای آن می شود. کشور ترکیه در پاسخ به این انتقادات، اصلاحات و تغییرات اساسی در سیاستهای قومی خود اعمال کرده، به گونه ای که امروزه نسبت به یک دهه قبل شاهد تبلیغات قومی و نژادی کمتری از جانب دولت علیه کردهای این کشور هستیم این اصلاحات و سیاستهای قومی ترکیه بسیاری از مشکلات قومی موجود میان دو کشور ایران و ترکیه را در خصوص کردهای دو کشور مرتفع کرده است. در دوره های قبل که کردهای ترکیه به شدت از جانب دولت آن سرکوب می شدند، دو کشور ایران و ترکیه بارها یکدیگر را متهم به همکاری با کردهای جدایی طلب می‌کردند. این مسئله کاملا اهمیت مرزهای غربی را دچار خدشه ساخته بود، به طوری که در موارد معدود نیز منجر به برخوردهای نظامی در مرزهای دو کشور شد. اما در شرایط کنونی که ترکیه در آستانه ورود به اتحادیه اروپا است بر پایه معیارهای عضویت این اتحادیه، چالش‌های قومی کردها تا اندازه زیادی حل و فصل شده و قطعا در آینده وضعیت بهتری خواهد یافت. با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و اجبار این کشور به رعایت هنجارهای سیاسی آن مسئله چالش‌های قومی کرد در مرزهای غربی ایران فروکش خواهد کرد و بخشی از حفره های امنیتی دولت از بین خواهد رفت.

٤- نتیجه‌گیری

در مجموع عدم وقوع تحول مهم ژئوپلیتیکی در حوزه غرب خاورمیانه و بویژه در مرزهای ایران و ترکیه باعث شده است که مطالعه و بررسی این حوزه در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی کمتر مورد توجه قرار گیرد. اما تحولات سیاسی جدید در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این حوزه را در آستانه چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی قرار داده است. ترکیه که سالها در پشت درهای بسته اتحادیه اروپا مانده، اکنون بر اثر تقابل سیاستهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه خاورمیانه فرصت مناسب تری برای ورود به این اتحادیه دارد. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا که در این مقاله تحت عنوان سناریوی ژئوپلیتیک نوین این کشور نام گرفته، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را به عنوان بازیگر اصلی غرب خاورمیانه متأثر می‌سازد. پژوهش حاضر نشان داد که در ژئوپلیتیک نوین ترکیه آسیب‌های ژئوپلیتیکی ایران در جهت مقابل به فرصتهای ژئوپلیتیکی تبدیل خواهد شد. ایران که در ژئوپلیتیک سنتی ترکیه محوری ترین هدف تهدیدات

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مثلث آمریکا - اسرائیل و ترکیه بود، در تحولات ژئوپلیتیکی نوین این کشور علاوه بر اینکه به چالش‌های طرح خاورمیانه بزرگ فائق می آید از فرصتهای ژئوپلیتیکی مهمی در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای بهره خواهد برد.

قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران بواسطه حمایتهای مادی برای انجام این پژوهش کمال قدردانی و تشکر را داشته باشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

۱. أرس، بولنت (۱۳۷۸)، استراتژی جدید اسرائیل در آذربایجان و آسیای مرکزی و قفقاز؛ ترجمه حمید احمدی فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۱۴.

۲. اطهری، اسدالله (۱۳۸۴)، اصلاحات ترکیه وخواسته های اتحادیه اروپا؛ فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم شماره ۳

۳. ایزر، یومیت (۱۳۸۴)، اسطوره زدایی از مفهوم امنیت ملی ترجمه مریم السادات امیر شاهی کرمی، فصلنامه راهبردی شماره ۳۷

۴. ترابی، طاهره (۱۳۸۴)، از همکاری نظامی تا هم پیمانی همه جانبه؛ نشریه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰

۵. توغلو، احمد داوود (۱۳۸۳)، سیاست خارجی ترکیه و راهبرد آسیای مرکزی ترجمه حسین رحیمی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳ و ۴.

۶. و حیدری، محمد و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم

۷. دوشرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۳)، نظریه های متعارض در روابط بین الملل؛ ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس

۸. رستگار، جمشید (۱۳۸۴)، از تهدید تا فرصت؛ نشریه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰

۹. روشندل، جلیل (۱۳۷۷)، هدفها و پیامدهای پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل؛ فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲و۳

۱۰. طلایی، محسن (۱۳۷۵)، اروپا و چشم انداز روابط جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: نشر وزارت امور خارجه.

۱۱. قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۳)، تحولات ترکیه و چالش های آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ کتاب امنیت بین الملل، تهران: نشر موسسه تحقیقات بین الملل ابرار معاصر.

۱۲. --------- ---------- (۱۳۸۴)، تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن بیست و یکم؛ فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴

۱۳. ملکی، محمد رضا (۱۳۷۷)، روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، شماره ۲۴.

۱۴. نظر بیگی، جعفر (۱۳۸۴)، پیامدهای جهانی و منطقه ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا؛ نشریه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰.

۱۵. یکتا، حسین (۱۳۷۵)، پیمان استراتژیک اسرائیل و ترکیه؛ فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۴.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

16 .Bali Aykan, Mehmet (1996), Turkish perspectives on Turkish-US relation concerning Persian gulf security in the post cold war era:1982-1995; middle east journal, vol. 50 ,No. 3.
17. Balfor, Rosa and Rota, Alessandria (2005), beyond enlargement: the European neighborhood and policy its tools; the international spectator, No. 1.
18. Fraim, Inbar (2001), Regional implicate
19 .Mufti, Malik (1998), daring and caution in Turkish foreign policy; Middle East Journal, Vol. 5, No. 1.
20. Papathanasis, MO (2001), Greek and Middle East; http. www. econ. ccsu papathanasis.
21. Turkish national program and adoption of the acquits (2004), http:europa.eu.int /comm. /ealrgment/turkey.
22. Vali, feran (1971), bridge across the Bosporus, foreign policy in turkey, Baltimore john Hopkins university Press.
23. http. www.europa.eu.int/comm. /world enp/policy-en .

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]